

گزارش علمی کارگاه برنامه ریزی درسی و آموزش جغرافیا

تهیه و تنظیم گزارش: سیاوش شایان

(قسمت ششم)

انواع فراگیری

- . مایل به درگیر شدن مستقیم در تجارب و اطلاعات است و منعکس کننده آنها می باشد.
- . از شرکت کردن و بیان معلومات خویش و همچنین برانگیختن ایده ها و راههای موجود دیگر لذت می برد.
- . روابط متقابل اجتماعی مثل بحث و گفتگو کار گروهی را دوست دارد.
- . آگاه از احساسات مردم است.

نقاط ضعف:

- . عدم تمایل به طرحهای عملی.
- . در شروع درس خیلی کند است.
- . خیلی راحت تمرکز خود را از دست می دهد.
- . بعضی اوقات قادر به تصمیم گیری نیست.
- . درختها را سمبل جنگل به حساب نمی آورد.
- . جزئیات مهم را فراموش می کند.
- . فقط زمانی که از انرژی بالانرژی برخوردار باشد فعالیت می کند.

روش آموزشی شماره ۲ (مشخصات فراگیرنده)

نقاط قوت:

- . دقیق است.
- . از نظر خلق مدل‌های تئوری خوب است.
- . خیلی دقیق به جزئیات می پردازد و کارها را بصورت کامل انجام می دهد.
- . در تعیین اهداف واضح است.
- . از تفکر درباره ایده ها لذت می برد.
- . تفکر منطقی دارد.
- . تمایل به حقایق و جزئیات دارد.
- . کاربرد تئوریا در مسایل و موقعیت های جدید.
- . در کاربرد فرضیه های متفاوت جهت انتقاد از یک موقعیت

نقاط قوت و ضعف چهارگونه روش آموزشی (مشخصات فراگیر) را در داخل کادر مشاهده می کنید. این صفحات را دقیقاً مطالعه کنید و ببینید با کدامیک سازگارتر هستید یعنی شما چه نوع فراگیری هستید. در این روشها ابتدا به روش یک می پردازیم. در این روش آموزشی که فراگیر را دارای قدرت تخیل (Imaginative Learner/Divergen) نام داده اند فرد بر تجربیات خود متکی است و می تواند پیچیدگی ها را درک کند، مسایل را خلق کند و ایده های جدیدی ارائه کند این نوع فراگیر حساس بوده و نسبت به دیگران احساس همدردی می کند.

در روش دوم فراگیر را فراگیر تجزیه و تحلیل گرا (Analitic Learner/Assimilator) نام داده اند که با روش اول بسیار متفاوت است و یادگیرنده مسایل را تجزیه و تحلیل کرده و به اجزای آن واقف می شود.

در روش سوم آموزشی، فراگیر به نام فراگیر با ادراک همه جانبه (Commonsense Learner) معرفی شده که مسایل را در هم می آمیزد و کل گراست و به آسانی دچار آشفته گی ذهنی نمی شود و در گروهها خوب کار می کند تا به پاسخ لازم برسد.

روش آموزشی شماره ۱ (مشخصات فراگیرنده)

نقاط قوت:

- . متفکر خلاق.
- . از تجارب خویش استفاده می کند.
- . از دیدگاههای مختلف به موقعیت نظر می افکند.
- . به اطلاعات منطقی می دهد.
- . قادر به دیدن روابط بین چیزها می باشد و تصویر کلی را سریع می گیرد.
- . علائق متعددی در او وجود دارد.
- . خوب گوش می کند و دانسته های خود را با دیگران تقسیم می کند.

خوب است .

- . حقایق را با دقت مورد امتحان قرار می دهد .
- . مایل به جمع آوری اطلاعات است .
- . تفکر منظم و پیوسته ایجاد می کند .
- . علاقه خاص ایجاد می کند .
- . تمایل بسیار به زیاد خواندن دارد .
- . از تجارب گذشته بصورتی سازنده و مفید استفاده می کند .
- . قادر به ایجاد ارتباط بین عقاید است .

نقاط ضعف :

- . به همه چیز فکر می کند .
- . بسیار مرتب و منظم است .
- . دارای آمادگی های قبلی است .
- . از آموزش استقرایی لذت می برد (از جزء به کل)
- . از انجام تکراری یک برنامه مثلاً نوشتن یک مقاله و یادداشت ناراحت نمی شود .
- . به تنهایی قادر به انجام تکالیف درسی خویش می باشد .

نقاط ضعف روش آموزشی ۲

- . نیاز به داشتن اطلاعات زیادی قبل از ابراز عقیده خویش دارد .
- . از تجربه هر چیز جدیدی خودداری می کند .
- . تمایل به انجام هر چیز در جهت تعیین شده دارد و به سختی از گذشته دست می کشد .

روش آموزش شماره ۴ (مشخصات فراگیرنده)

- . از نظر تئوری ضعیف است و از آن خوشش نمی آید .
- . اعتماد به احساسات ندارد و صرفاً به منطق تکیه می نماید .
- . نیاز به دانستن عقاید متخصصین دارد .
- . بیش از حد محتاط است و ریسک نمی کند .
- . در انجام کارهای گروهی راحت نیست .
- . از دوستان و معلم به عنوان منبعی خوب استفاده نمی کند .
- . آزمایش تجربه و خطا .
- . متعهد به عکس العمل .
- . انعطاف پذیر بودن .
- . علائق متعدد .
- . لذت بردن از تغییر و تنوع .
- . در جستجوی امکانات نهفته است .
- . اگر چنانچه پس از داوطلب شدن در مورد سؤال اشتباه کند ، نگران نمی شود .

روش آموزشی شماره ۳ (مشخصات فراگیرنده)

- . کاربرد عملی ایده ها را می داند .
- . مصمم است .
- . قادر به تلفیق تئوری و کارهای عملی است .
- . از حل مسئله لذت می برد .
- . مایل به آزمودن همه چیز می باشد .
- . از یافتن پاسخ سؤال خود بسیار خوشحال می شود .
- . از تجارب خود نتیجه گیری می کند .
- . از نظر استفاده از مهارتها بسیار خوب است و قادر به دست ورزی می باشد (ساختن) .

نقاط ضعف

- . در آن واحد به چند چیز می پردازد .
- . کارها بدون برنامه ریزی است .

- . بطور دقیق و با تکیه بر جزئیات به مسایل می نگرد .
- . بخوبی قادر به انجام تکالیف درسی بصورت انفرادی می باشد .

عدم وجود تقسیم اوقات به طور منظم و گذاشتن کارها برای لحظه آخر.

عدم علاقه به جزئیات

کار انجام شده خود را دقیقاً کنترل می کند و همچنین مایل به انجام دوباره آنها نیست.

خیلی سریع و بدون تفکر از یک چیز به چیز دیگر می پرد.

و گاهی وقتها به عنوان تحمیل کننده تلقی می شود.

فراگیر در روش چهارم آموزشی، فراگیر پویا (Dynamic Learner/Accommodator) خوانده شده است او به همه چیز سیستماتیک نگاه نمی کند و عملگرا بوده و به تئوری توجه چندانی ندارد.

این روشها را به این علت متذکر شدیم که در هر کلاس درس معمولاً فراگیران متنوعی وجود دارند و لازم است از این تقسیم بندی برای طراحی تدریس و اصول تدریس بهره برد. این تقسیم بندی ها در انگلستان به خوبی پاسخ می دهد اما در ایران ممکن است به علت تفاوت های فرهنگی پاسخ دقیقی نتوان برای آن ارائه کرد به هر حال ممکن است فرد از چند روش بهره ببرد و باید روش بهینه وی (Best Fit) مشخص گردد.

معلم باید از هر یک از روشهای فوق بهره ای برده باشد و در کلاس طوری تدریس کند که شاگردانی از همه انواع فراگیران فوق را بتواند پاسخ دهد. معلم باید از خود پرسد که آیا در مورد گروه اول سوالات تشریحی کافی ارائه کرده و فرصت بحث و مناظره و فعالیتهای اضافی و پاسخ به بیش از یک سؤال را به این فراگیران داده است؟ برای سایر گروهها نیز به همین ترتیب معلم باید از خود سؤال کند که آیا روش آموزشی مناسب آنان را به کار گرفته یا خیر؟ مثلاً برای گروه دوم فراگیران آیا مراحل منطقی انجام یک کار داده شده؟ تکیه بر تفکر تحلیلی، عرضه مفاهیم با روشنی و صراحت در بیان انجام شده یا نه؟ برای گروه سوم کسب مهارتها مهم است آیا معلم به دانش آموز فرصت حل مسئله را داده و اجازه داده که او تئوریهها را با عمل نشان دهد؟ در گروه چهارم فراگیران، آیا معلم فرصت کافی برای اشتباه کردن را به دانش آموز داده و فرصت ریسک (خطر) کردن را در اختیار او قرار داده است؟ آیا تنوع مطالب و انتقال مطالب به این گروه مدنظر معلم بوده است؟

معلم باید عادت کند و قبول کند که برای هر یک از گروههای افراد فراگیر، مهارتی را در نظر گرفته است. معلم باید تشویق شود که نقاط قوت و ضعف سبکهای مختلف را در نظر گیرد. تحقیقات آموزشی نشان می دهد که روش تدریس خوب وجود ندارد بلکه روشهای تدریس خوب وجود دارند و معلم باید این روشهای متعدد را در نظر داشته باشد تا در فرصتهای لازم از آنها استفاده کند و تمام نقاط قوت دانش آموزان را پوشش دهد نه فقط نقاط ضعف آنها را

مورد توجه قرار دهد.

در تربیت معلم توجه به مشخصات چهار گروه فراگیران اهمیت زیادی دارد زیرا باید یک معلم متخصص و متفکر تربیت کرد. یک محقق امریکایی می گوید که معلم باید برای هر شرایطی، یک روش تدریس خاص را به کار برد. برخی از افراد وقتی که در موقعیت خطر قرار می گیرند خوب فراگیری می کنند و برخی برعکس. البته غلبه با این شرایط است نه این که حتماً باید شرایط خطر فراهم کرد تا شخصی به خوبی مطالب یا مهارتهایی را فرا گیرد.

در سال ۱۹۸۴ یکی از استادان دانشگاه هاروارد به نام گاردنر نظریه ای ارائه کرد. او گفت هوش به تنهایی وجود ندارد بلکه هوشهای متعددی در هر فرد هست که او به ۸ هوش اشاره کرد که برخی از آنها عبارتند از هوش ریاضی، هوش ایستا، هوش ارتباطی، هوش ارتباطات فضایی، هوش زبانی و هوش موسیقی. نمی توان گفت که یک دانش آموز کم هوش یا باهوش است بلکه باید گفت هوش او در کدام زمینه سریعتر یا کندتر است. درسبکهای آموزشی ما باید به تواناییهای فرد توجه کنیم نه ضعف های وی.

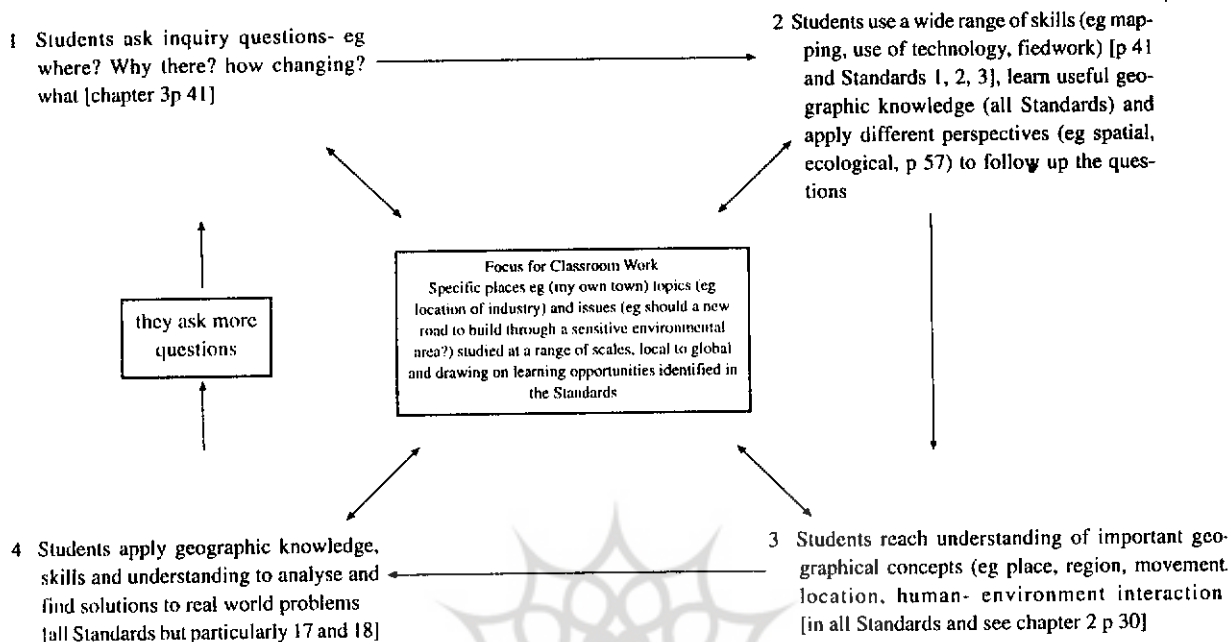
در روش تدریس رفتاری هدف معلم تشکل رفتاری دانش آموز است و البته مرحله انتقال دانش نیز وجود دارد. در روش سوم یا تعاملی (Interaction) معلم نقش تسهیل کننده فراگیری را بر عهده دارد و دانش آموزان را وامی دارد که با کار گروهی یکدیگر به مهارتی برسند یا مطلبی بیاموزند.

تفاوت عمده این روشهای تدریس در این است که در روش اول معلم علاقه ندارد بداند که دانش آموز مطلب را درک کرده یا خیر و فقط بر انتقال مفاهیم تأکید می کند. در روش دوم بین دانش آموز و معلم ارتباطی وجود دارد اما در روش سوم کار گروهی دانش آموزان اهمیت دارد و معلم باید به آنها خیلی کمک کند تا کار خود را به سرانجام برساند. زیرا دانش آموزان از مفاهیم و روشها اطلاع کافی ندارند. اگر معلمی فقط از یک سبک استفاده کند، کارش ناقص است و معلم خوب از همه سبکها بهره می جوید.

یادگیری کاوشی:

تعریف یادگیری کاوشی مشکل است (Inquiry) زیرا گاهی همان روش اول تدریس است چون به اطلاعات متکی است و گاهی به روش دوم و یا روش سوم شبیه می شود. اکنون سؤال این است که چگونه می توان روشهای یادگیری را بر روشهای تدریس منطبق کرد. بر اساس تحقیقی که صورت گرفته سه نوع کلاس داریم: باز، بسته و دارای چارچوب. در کلاسهای بسته (Closed) اطلاعات اولیه توسط معلم انتخاب و عرضه می شود و انتظار نمی رود که دانش آموزان سؤالی مطرح کنند. در کلاس باز (Open) معلم فرصت سؤال و انتخاب موضوع بحث را به دانش آموز می دهد اما

The Process of Geographic Inquiry (Enquiry)



در نموداری که از مدل کاوشی در ضمیمه ملاحظه می کنید در قسمت ۱، ابتدا سؤال مطرح می شود. در بخش دوم مهارتها و در قسمت یا مرحله سوم دانش آموز به درک مفاهیم جغرافیایی نایل می شود و بالاخره در مرحله چهارم دانش آموز با استفاده از درک مهارتهای خود به مرحله حل یک مسئله واقعی می رسد و می تواند به سؤالات بیشتری پاسخ دهد. جریان کار در روی این نمودار با پیکانهایی مشخص شده است. مطلبی که به ذهن می رسد این است که یادگیری کاوشی را می توان با انواع فراگیری در رابطه گذاشت. در قدم یا مرحله ۱ تأکید بر انواع فراگیران نوع ۱ و ۴ است. در مرحله دوم می توان به فراگیران نوع ۳ اشاره کرد و در مرحله سوم، نوع فراگیری شماره ۲ و بالاخره در مرحله ۴ با نوع فراگیران شماره ۱ با یکدیگر منطبق می شوند.

ادامه دارد

در کلاس چارچوب دار (Framed) برخی داده ها و اطلاعات عرضه می شود و دانش آموز از آنها انتخاب می کند. در نتیجه در کلاس بسته معلم فعال و دانش آموز منفعل است، در کلاس چارچوب دار دانش آموز قدری آزادی عمل دارد و در کلاس باز دانش آموز سؤالاتی را مطرح کرده و معلم او را در یافتن پاسخها هدایت می کند. بر حسب موقعیت می توان از هر یک از انواع کلاسهای فوق در تدریس بهره گرفت. برای تشریح کلاس چارچوب دار باید بگویم که تقریباً این کلاس شبیه رستوران است که در آن امکان انتخاب وجود دارد اما انتخاب از روی لیست غذایی انجام می شود که قبلاً تهیه شده است. از آنجا که کشور ایران یک کشوری است که برنامه درسی آن موضوع محور می باشد نه دانش آموز محور، نمی توان از روش باز برای تدریس استفاده کرد البته نمی توان حکم کلی صادر کرد شاید بتوان یک کلاس را به صورت تلفیقی از کلاسهای فوق نیز در نظر گرفت.